

# خبرنامه

- پیوستن دو تن از سربازان انقلابی به صفوف پیشمرگان کومله.
- اطلاعیه کومله درباره تحریم خدمت نظام وظیفه.
- اعدام انقلابی مرووران رژیم توسط پیشمرگان کومله در سنندج.

برای مردم ایران روشن شده است که خمینی، روحانیت ارتجاعی و لبرال های خیانت پیشه تحت فرمانش، از همان فردای قیام ۲۲ بهمن (و حتی قبل از آن) در برابر تودمهای انقلابی که جنبش توفنده ضد رژیم شاه را طبرعم میل و اراده همین آقا یان ناقبام سلحانه رسانده بودند قرار گرفتند تا کارگران، زحمتکشان و خلق های (بقیه در صفحه ۲)

## دو سال مقاومت، دو سال مبارزه بسرای آزادی.

### درماندگی مزدوران رژیم در برابر تعرضات پی در پی پیشمرگان کومله در هریوان.

- در یک نبرد ۶ ساعته ضربات سختی بر نیروهای دشمن وارد ساختند.
- طی ۳،۵ ساعت نبرد مزدوران را از سر و آباد «هریوان» بیرون راندند.

دو سال از فرمان هجوم خمینی به کردستان میگذرد. با این فرمان کلیه نیروهای مسلح و نهاد های سرکوبگر به اضافه انبوهی از افراد مرتجع، متوهم و عقب ماند ه بنام جهاد با کفار و "ضد انقلاب" برای سرکوب خلق کرد بسیج و روانه شدند. یورش مغول وار رژیم به شهرها و روستاهای کردستان، اعدام، ستجمعی جوانان انقلابی، قتل، تهاجمهای فجیع و... نتنها نفرت عظیمی در میان خلق کرد و تودمهای مبارز و انقلابی سراسر ایران برانگیخت، بلکه در افکار عمومی سراسر جهان نیز انعکاس وسیعی بد نبال داشت. امروز حتی از هر زمان دیگری

پیشمرگان در همان لحظات اول ۵ جاش و پاسدار را به هلاکت رساندند. در این حمله فافلکیرانه که دشمن تا مدتی بارای هیچ گونه عکس العملی نداشت کالیبر. دشمن از کار افتاد و خد مه آن نسیب گشته شدند. جاشها و پاسداران (بقیه در صفحه ۶)

● ۶۰/۵/۲۸ - در ساعت ۵ صبح ده های از پیشمرگان کومله لری شهید حسین از هزی شهید نواد طبق برنامه به یکی از یگانها - ههای نیروهای رژیم در محلی بنام "نذرگاه" در اطراف سر و آباد هریوان حمله برده و جسورانه تا ۱۰ متری سنگرهای آنان پیشروی کردند.

### درباره پیوستن عده ای از مزدوران - زرگاری به حزب دمکرات در کامیاران (در صفحه ۳)

تحت ستم ایران نتوانند دستاوردهای قیام را در جهت پیشبرد مبارزه و تکامل انقلاب بکار گیرند و آنها بتوانند بنا به وظیفه ارتجاعی خود دستگاه ستم سرکوب و دیکتاتور توری مورد نیاز سرمایه داران و امپریالیستهارا از نو برقرار سازند. تمام حرکات و عوام فریبی های خمینی و کل رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز تا کنون در سراسر ایران (از جمله کردستان) در همین جهت بوده و می باشد.

اما خلق کرد که از سالیان پیش طبع ستم ملی مبارزه کرده و در زیر فشار و شدت ارگانهای سرکوبگر رژیم شاه: ژاندارمری، شهرستانی، ساواک، ارتش، جاشهای محلی، جنگلگانی... رنج میدید، در جریان جنبش انقلابی اخیر نیز مستقیماً وارد میدان شد.

خلق کرد و به ویژه زحمتکشان طی سالیان زندگی پر مشقت خود طعم تلخ دیکتاتوری و سرنیزه حکومت مرکزی را چشیده بودند و دیده بودند که رژیم شاه با تکیه بر همین سرنیزه هاست که ستم های گوناگون ملی، طبقاتی و مذهبی را بر آنان روا میدارد و از هرگونه آزادی محروشان میسازد. این بود که پس از سرنگونی رژیم شاه، دستگاههای امنیتی و انتظامی و ادارات ضد خلقی بکلی برچیده شد، پاسگاههای ژاندارمری و شهرستانی در همه جای کردستان تصرف شده و سلاحهاشان بدست مردم افتاد. ارگانهای دیکراتیک مردمی، اتحادیه های دهقانی که قالباً "بوسپه" تودهای مسلح پشتیبانی میشدند، تشکل های دیکراتیک زنان، دانش آموزان، معلمان، کارمندان... بطور گسترده ای ایجاد شدند و اداره امور شهرها و روستاها را برعهده گرفتند و بدین ترتیب دیکراسی نسبتاً وسیعی در کردستان

برقرار گردید. در فضای چنین دیکراسی وسیع و انقلابی، مبارزات زحمتکشان و نیروهای انقلابی کردستان، مرتعاً رو به گسترش و اعتلا بود در حالی که در سایر مناطق ایران، رژیم جمهوری اسلامی با اتکا به توهم بخشی از مردم که خوشبختی و سعادت خود را از چنین رژیمی طلب میکردند، در حال استقرار حاکمیت ارتجاعی خود بود.

رژیم جمهوری اسلامی نمیتوانست این دیکراسی وادامه و گسترش دستاوردهای قیام و نیز مبارزات خلق کرد را در راه کسب خود مختاری و گسترش دیکراسی تحمل نماید. بدین ترتیب در ادامه توطئه های پی در پی خود چون نوروز خونین سنندج، جنگ نقده، مسلح کردن نفوذالها و و مرتجعین منطقه، توطئه جنگ افروزان، میروان و سرانجام جنگ پاره این بار کلیه نیروهای نظامی و شبه نظامی خود را که از پیش آماده کرده بود به کردستان روانه کرد. تا در اینجا نیز انقلاب را سرکوب کند و حاکمیت ضد انقلابی خود را برقرار نماید. اما خلق کرد نیز به دفاع مسلحانه پرداخت و بدینسان که در میان دریایی از آتش و خون جنبش مقاومت تولد یافت.

در این یورش گسترده، رژیم هر چه در توان داشت بکار برد: نیروی هوایی، نیروی زمینی، پاسداران، جاشهای محلی و... همه و همه را بکار گرفت. وی تمام سلاحهای زیاد خانهاش را به تجربه گذاشت و از اهدام و کشتارهای بیرحمانه فرنگذاری نکسرد. ولی دیدیم که در پایان ماه ۵۸، همین خمینی جلاد، با پهناسام "صلح" خود شکست نظامی رژیم را تصدیق کرد. چرا چنین شد؟ چون نیروهای سرکوبگر نه با

تعدادی افراد و دسته - بلکه با زحمتکشان بپا خواسته کردستان و با مردم مسلح کردستان روبرو شدند. مردمی که سالیان دراز طعم تلخ دیکتاتوری و سرکوب را چشیده بودند و چند ماهی نیز (از بهمن تا مرداد) از لذت دیکراسی بهره مند شده بودند و زحمتکشانی که حاضر نبودند (و نیستند) که این دیکراسی را از دست بدهند، زحمتکشانی که توسط سازمانی انقلابی چون کومه رهبری میشوند.

خمینی پیام "صلح" خود را نه برای صلح بلکه برای کسب فرصت و آمادگی جهت یورش و هجوم دیکراتیک کرد. مذاکرات هیئت نمایندگی خلق کرد با نمایندگان رژیم و جریانات بعدی این حقیقت را به اثبات رسانیدند و ما از همان ابتدا این رنگهای رژیم را در جزیره "ما" و مذاکرات برای مردم افشا کردیم و بدینسان که رژیمها حمله به کابلان و بالاخره به سنندج در بهار ۵۹ یورش گسترده و دوم خود را به کردستان آغاز نمود.

یورش رژیم این بار وحشیانه تر از پیش شروع شد به این امید که با انقلاب را در کردستان بکسر کند. بمب های ناپالم بر مردم با نهرین ریختن یا ۱۴۰۰۰ گلوله خمپاره بر روی مردم سنندج ریخت و... لیکن زحمتکشان کردستان سازمان ما، بعنوان بخش پیگیر و انقلابی جنبش مقاومت آگاه متروآمد متران جنبش مقاومت پرداختند. مقاومت و حماسی و قهرمانانه ۴۰ روزه مردم سنندج، مقاومت مردم با نهر، سقز، میروان، مهاباد و... همگی از روحیه عالی انقلابی و از عزم راسخ زحمتکشان در ادامه مبارزه حکایت میکنند.

رژیم هر چند موفق شد در پیشانی بیشتر شهرهای کردستان را تصرف بقیه در صفحه ۸

## درباره پیوستن عده‌ای از مزدوران رزگاری به حزب دمکرات در کامیاران .

چندی پیش راد یوی حزب دمکرات اطلاع داد که عده‌ای از افراد مسلح سپاه رزگاری به حزب دمکرات در کامیاران ملحق شده‌اند . این عمل آشکارا بمعنای دهن کجی به زحمتکشان منطقه و مبارزات یکسال ونیمه کومهله طبعه این مزدوران و بمعنای آلود ساختن هرچه بیشتر صفوف مبارزاتی خلق کرد با عناصر مزدور و بالاخره حمایت از مرتجعین و وابستگان به بعث طبعه کومهله و طبعه دستاورد های مبارزاتی خلق کرد بود .

سازمان مادر کامیاران طی اعلامیه‌ای باین مصلح حزب دمکرات اضرار نموده و خواستار شد که حسب دمکرات سران مزدور رزگاری رابه صفوف خود راه ندهند و آنانرا مورد حمایت قرار ندهند . اما حزب دمکرات

نه تنها به این خواست اعتنائی نکرد بلکه بلافاصله بعد از پیوستن افراد مسلح رزگاری ، با کمک آنها شروع به تحریکات و تعرضات مسلحانه طبعه هواداران و پیشمرگان کومهله نمود . و با اینکار نشان داد که نگرانی مادراین مورد که پیوستن این مزدوران به حزب دمکرات جز ادامه توطئه جهانی طبعه کومهله بمعنای دیگری ندارد ، بیجهت نبود هاست . در نتیجه طی چند روز اخیر حوادث و درگیریهای در کامیاران یوقوع پیوسته است که مابرای اطلاع خلق کرد و همبشپان مبارزمان از واقعات امر لازم میدانیم بخشهایی از اعلامیه و اطلاعیه کومهله در کامیاران راد را اینجا نقل نمائیم :

تلاش هذ بو حانه مرتجعین در آستانه سومین سال جنبش مقاومت خلق کرد

## تلاش هذ بو حانه مرتجعین در آستانه سومین سال جنبش مقاومت خلق کرد

( بمناسبت پیوستن سران جنایتکار رزگاری به حزب دمکرات )

خلق رزمند هه کرد !

زحمتکشان رزمنده کامیاران وژا و رود !

امروز دوسال از آغاز جنبش مقاومت خلق کرد میگذرد و اینک در آستانه سومین سال مقاومت این خلق قهرمان قرار گرفته‌ایم . دوسالی که گذشت آئینه تمام نمایی بود از قهرمانی ها و جان فشانیهای توده‌های انقلابی خلق کرد و پیشمرگان قهرمان از یک سو و دمنشی ها و تشیحات و حشانه‌ها سد اران ارتجاع و حامیان سرمایه‌ازسوی دیگر ، و نیز توطئه‌ها و خیانت‌های بی شرمانه مرتجعین و نیروهای ارتجاعی محلی بر طبعه انقلابیون راستین و نیروهای انقلابی .

در دوسالی که گذشت همزمان بارشد هرچه بیشتر نیروهای انقلابی ، ارتجاع نیز بیکارننشسته و به هر طریق که ممکن بود ، در ایجاد و تقویت تشکیلهای خاص خود کوشش نمود ؛ دستهای مسلح فشاری ، به سینه سرکردگی برخی از منفورترین دشمنان زحمتکشان و کهنه ساواکها ( مانند د اردسته شیخ هادی ) ، د اردسته اکبرواتی ( د زد و جنایتکار ) ، سپاه مزدور رزگاری و . . . نمونه‌هایی بود ند از تلاش مرتجعین و عوامل منفور رژیم گذشته ، برای ایجاد تشکیلهای خاص خود به منظور مبارزه با توده‌های انقلابی خلق کرد و نیروهای انقلابیشان ، و نیز لکه دار کردن جنبش اصل مقاومت این خلق قهرمان . که در این میان سپاه مزدور رزگاری به طلت وابستگی مستقیم به حکومت فاشیستی بعث عراق و نیز بدلیل وابستگی های خاص سران مرتجع و مزدور و رش به ساواک و حکومت ننگین پهلوی از اهمیت بیشتری برخوردار بود .

از همان آغاز جنبش مقاومت ، تنی چند از مرتجعین و فئودالهای سابق کردستان ( که سابقه طولانی جاسوسیشان برای حکومتهای ضد انقلابی شاه و بعث عراق و ظلم و ستم نسبت به زحمتکشان کردستان در مرکز پوشیده نبود ) ، تحت سرپرستی ماح نقشبندی فرزند شیخ عثمان نقشبندی ، جاسوس مشهور و مستقیم ساواک ، ضمن تماس با حکومت فاشیستی بعث عراق و عوامل رژیم منفور پهلوی به تشکیل سپاه مزدور رزگاری اقدام نموده و با کمک اسلحه و پولهایی که تحویل می گرفتند ، عده‌ای از زحمتکشان ناآگاه

اورامانات ربا تظميع وارطاب مسلح نموده و آنان را جهت پيشبرد هدفهاى ضد انقلابى خود مرزداران استفاده قرار دادند . امروز ديگر دشمنى اين دارودسته ضد خلقى بازحمتكشان و نودهاى مبارز خلق كسرد و نبردهاى انقلابى در فداى زحمتكشان ، بر كسى پوشيده نمانده است .  
در رضى و رسالتى كه گذشت بارها برخورد هاى خونينى ما بين اين دارودسته ارتجاعى و نبردهاى انقلابى ، بخصوص پيشمرگان انقلابى كومهله روز داده است كه هر بار به شكست فاجعش اين مزدوران و خلق سلاح و دستكزى عدهاى ديگر از آنان منجر شده است ، در طول دو سال گذشته ، مزدوران رزقاران بجزد رساندند مرز و متاخلى محدودى از اورامان نتوانسته اند به اعمال حادثه خود ادامه دهند و اگرگاهى به كمند نبردهاى ارتجاعى ديگر نتوانسته اند چند روزى از آنهاى حاسوسى خود بيرون بخزند با يورش قهرمانانه پيشمرگان كومهله روبرو شده و ناچار به عقب نشينى شده اند .

در ماههاى اخير مزدوران رزقارى كه از طرفى به علت بسته شدن مرز ايران و عراق بوسيله نبردهاى سر كويگر ارتش جمهورى اسلامى ، ارتباطشان با اربابان بعضى به سختى انجام ميگرفت و از طرفى هم در ميان توده هاى زحمتكش و مبارز خلق كرد نيز جايى نداشتند ، چاره اى جز انحلال رسمى تشكيلات ارتجاعى و ضد مردمى خود نديده اند . به همين جهت برخى از سران منغور اين سپاه مزدور بدامن ارباب بعضى پناه برده و عده اى از آنان بحكومت جمهورى اسلامى تسليم شدند . و مستقيماً به مزدوران حكومت تبديل شدند و برخى از آنان نيز به اميد اينكه بتوانند دوباره تشكيلات ارتجاعى خود را نچد بد سازمان داده و حركت بنومى ديگر دشمنى خود ربا تودهاى مبارز خلق كرد و نبردهاى انقلابى تحت لو اى كومهله هاى ديگر ادامه دهند ، به حزب دمكرات پناه برده و با پيوستن به صفوف اين حزب به خيال خام خود ميخواهند از مرگ حتمى حيات سياسى خود جلوكيرى نمايند ، زهى خيال باطل ! زحمتكشان رزمنده خلق كرد و سازمانهاى انقلابى پيشان هرگز خاطره تلخ سلطه ننگين اين مزدوران را بر مناطق مرزى اورامانات و بخشهاى از ژاو رود فراموش نكرده و هميشه خاطره تلخ خمپاره باران و كشتار بر حمانه زحمتكشان روستاهاى "ببسا ران" و غيره ، و به شهادت رسانيدن فرزندان قهرمان خلق (كاك صلاح رمن ، طى قطبى ، طى قمرى و . . . ) را زير پا نخواهند برد . علاوه بر سوابق فوق ، سابقه تنى چند از سران مزدور رزقارى كه در حال حاضر به حزب دمكرات پيوسته و ياد رجال پيوستن به آن هستند ، خود نشانگر اين واقعيت است كه نبردهاى انقلابى بخصوص كومهله هرگز نمى توانند حضور آنان را در صفوف پيشمرگان جنبش مقاومت تحمل كرده و به برقرارى كلاً لازم باشد اين جانيان را بسزاي جنايتها و اعمال ضد انقلابى و ضد خلقيشان خواهند رسانيد . صراحتاً از حزب دمكرات ميخواهيم كه سران مزدور و جنايتكار رزقارى را كه سلماً "جز خيانت به زحمتكشان و دشمنى مستقيم با كومهله هدفى ندارند ، به صفوف خود راه ندهد .

شبيح عبدالله حسامى مزدور و پسرش شبيح جمال راجه كسى نمى شناسد ؟ چه كسى ميتواند آب تظهير بر سر اين جانيان ضد خلق بريزد ؟ شبيح عبدالله راهمه كسى نمى شناسد ، زحمتكشان ناحيه كامياران بخصوص زحمتكشان روستاهاى "ديروولى" و "دولاب" سابقه سرارضاى اين جاني مزدور را هرگز از ياد نمى برند . چه كسى ميتواند از ياد ببرد كه در سال ۳۴ با شليد گلولى از تفنگ اين جاني ، خون سرخ بگي از زحمتكشان روستاى "ديروولى" بجرم مبارزه با فئوداليسم و دم نكمن از باج گيرى هاى خانواده حسامى بر زمين ريخت ؟ چه كسى ميتواند انكار كند كه پرونده اين قتل با وساطت ساواك ، سالها در بايگانى دادگستري شهپرستندج راكد ماند و كسى را يار اى محاكمه اين مزدور نبود ؟ و يا چه كسى سابقه خيانتهاى شبيح جمال پسر اين مزدور را فراموش ميكند كه در جريان جنبش مقاومت اول خلق كرد بعنوان پاسدار و جاس حكومتى به خلق سلاح و اذيت و آزار زحمتكشان منطقه "كاو رود" كامياران مشغول و دهها قبضه اسلحه اى را كه دهقانان ستمدیده جهت دفاع از هستى خود خريدارى نموده بودند به حكومت جمهورى اسلامى تحويل داد ؟  
خلق رزمنده كرد !

زحمتكشان منطقه كامياران و ژاو رود !

ما ، سازمان انقلابى زحمتكشان كردستان ايران (كومهله) - كامياران ، يارد يگر توجه شمارا به توطئه ضد انقلابى ديگرى كه در حال تكوين است جلب مى نمايم :

پيوستن عوامل منغور و جنايتكارانى چون رواشى (دزد و جنايتكار) و شبيح عبدالله و شبيح جمال حسامى از سران مزدور رزقارى به حزب دمكرات ، سلماً "توطئه ديگرى است كه مرتجعين و دشمنان زحمتكشان بر طيه توده هاى مبارز سازمانهاى انقلابى كرد ، در تدارك آنها . همچنانكه ما تا كنون بارها اعلام كرده ايم در برابر توطئه ها و دسيسه هاى ضد انقلابى مرتجعين محلى هرگز ساكت ننيستيم و با قاطعيت كامل در برابر

هرگونه توطئه‌ای ایستادگی نمود مو تا نابودی تک‌اعلی‌این مرتجعین ان‌های نخواهیم نشست . بنابراین ازهم اکنون شمارا به داوری دراین امر فرا میخوانیم و از شما میخوانیم همچنانکه تاکنون ثابت کرد ماید که مرتجعین و عوامل مزدور بیگانه‌راد میان‌شماره‌هی نیست و این بار نیز با طرد این خود فروختگان از میان خود ، به زحمتکشان و کارگران ایران و مردم جهان ثابت کنید که جنبش مقاومت خلق کرده جنبشی اصیل و انقلابی است .

**پیشمرگان حزب دموکرات !**

تجربیات دو سال اخیر خلق کرد ، باید این امر را به شما ثابت کرده باشد که سران مزدورزگاری بجزیر دشمنی با زحمتکشان و بجز به انحراف کشانیدن جنبش مقاومت خلق کرده هدف دیگری را تمسب نمی‌نمایند . خون پیشمرگان قهرمانی که با گلوله تفنگ این مزدوران به زمین ریخته شده است (از جمله رشتمه‌لج و ... ) بهترین گواه دشمنیشان با پیشمرگان جنبش مقاومت است .

ما شمارا از موانع زبانیار بهیروستن سران مزدورزگاری به صفوف حزب دموکرات و توطئه‌هایی که بر طبقینروهای راستین در سردارند بر خذ رسیداریم و از شما میخوانیم که این مزدوران را از صفوف خود طرد نماید . ما یکبار دیگر از حزب دموکرات میخوانیم بدفاع از این جنایتکاران ضد خلق نپردازد . بدیهی است که حزب دموکرات مسئول هرگونه موانع زبانیار وجود این مزدوران در میان پیشمرگان میباشد .

هرچه پسرتوانسترساد جنبش مقاومت خلق کرد !

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران ( کومه‌له ) - کامیاران ( ۶۰/۵/۲۸ )

**برگزاری کمیته زنان در یکی از روستاهای بوکان .**

● ۶۰/۵/۲۱ - در این روز یکی از روستاهای اطراف بوکان شاهد کرد هم‌آبی باشکوه زنان بود . در این منیگ که اکثر زنان زحمتکشی روستا با علاقه فراوان شرکت کرده بودند ، در تن از رفقای زن دربارت جنبش مقاومت نقش و وظایف زنان در آن و نیز اوضاع کنونی ایران و کردستان به سخنرانی پرداختند . زنان شرکت کنندگها هرگز از این منیگ و سخنرانی استقبال نمودند ، خواستار ادامه اینگونه جلسات شدند . زنان انقلابی کردستان در بیشتر عرصه‌های جنبش مقاومت بنظامرات تودمای ، تحصن ، یاری رساندن به پیشمرگان در سنگرها و ... شرکت داشته و تعدادی از آنان در مقابل جوخه آتش مزدوران قسار گرفته و اعدام ضدانقلابی شد مانده .

**اطلاعیه شماره ۱ کومه‌له کامیاران درباره :**  
**توطئه‌های اخیر مرتجعین روزگاری در منطقه .**

هم میهنان مبارز ! خلق رزمنده کرد ! زحمتکشان منطقه کامیاران و زاو رود ! **بازی کومه‌له** در اعلامیه مورخ ۶۰/۵/۲۸ اعلام نمودیم که پیوستن سران مزدورزگاری و دیگر جنایتکاران وابسته به رژیم فاشیستی بعراق ، به حزب دموکرات مسلما در ارتباط با توطئه جدید است که مرتجعین بر طبقینروهای خلق کرد و نیروهای انقلابیشان در تدارک آنند . همچنین در این اعلامیه هشدار داده بودیم ، که کومه‌له نمیتواند وجود این جانفان را که دستشان مستقیما به خون مردم میسازد و کادرها و پیشمرگان سازمان ما آلوده شد و تاکنون همواره در جهت خیانت به جنبش مقاومت گام برداشته‌اند تحمل نماید . لذا از حزب دموکرات خواسته بودیم که سران مزدورزگاری را از صفوف خود طرد کنند ؛ ولی متأسفانه حزب دموکرات نه تنها به درخواست ما توجهی نکرد بلکه درست همزمان با پخش اعلامیه ما با فرستادن نیروی ککی برای داریوسته شیخ عبدالله حسامی ( که مقرر حزب دموکرات در "طا" راه مرکز توطئه‌گریهای خود بر طبقه‌مانند میل کرده بود ) کوشش نمود که با جمع آوری قوا ، نیروهای ما و سازمان یکبار در قرا "طا" و "هنی‌من" را مورد تعرض قرار دهند . این بار نیز تلاشهای مکرر برای حل سیاسی مسئله به عمل آوردیم که با اقدامات مسلحانه حزب دموکرات بسی نتیجه ماند ، که با مقاومت و تعرض متقابل قاطعانه پیشمرگان ما در برابر این توطئه مشترک از جانب روزگاری و دموکرات زورپرو گردید . اینک جریان تعرضات نیروهای مشترک روزگاری - دموکرات به بقیه ر صفحه ۶

# درماندگی . . .

مستقر در اطراف این پایگاهها  
برای نجات محاصرهشدگان به سوی  
پیشمرگان حمله ورشدند ولی با  
تصریح متقابل پیشمرگان روبروگشتند  
این نبرد مدت یک ساعت طول کشید  
و در جریان آن دههای دیگری از  
جاشها و پاسداران به هلاکت  
رسیده و دشمن عقب نشست.

پیشمرگان بعد از این عملیات  
وارد روستای "گوشتخانی" شدند  
و مورد استقبال گرم مردم قرار  
گرفتند.

دشمن هراسناک از حمله مجدد  
پیشمرگان، منطقهای به وسعت  
چندین کیلومتر از گوشتخانی تا  
"کراآباد" و "رزو" راه توپ بست  
تا بتواند نیروهایش را به سوی گوس  
شتخانی حرکت دهد ولی بار دیگر  
دشمن حمله مجدد پیشمرگان عقب  
راندند. پیشمرگان خود را به  
محل تجمع نیروهای دشمن در  
اطراف "کراآباد" رساندند و آنجا  
هم به آنان امان نداد و با اسلحه  
های سبک و سنگین مزدوران را مورد  
حمله قرار دادند. و بار دیگر آنها  
را از منطقه عقب راندند. بدینسان  
برای چندمین بار دشمن مقتضانه  
شکست خورد و قسمتی از نیروهایش  
به محاصره درآمد.

دشمن در مانده این باره یک  
سنتون مرکب از دو تانک و چند پین  
ماشین به نزد یکپهای محل در  
گیری روانه کرد و وحشیانه منطقه را  
کوبید. سرانجام در ساعت ۲ بعد  
از ظهر توانست از محل درگیری  
فرار کند! در این عملیات که ۷  
ساعت بطول انجامید به پیشمرگان  
هیچگونه آسیبی وارد نیامد. در  
پایان نبرد پیشمرگان نیز روزمانده

(بخیه در صفحه ۸)

پیشمرگان کومله و بیگار و مقابله با آن راد ناحیه کامیاران از تاریخ  
۶۰/۵/۳۰ تا ۶۰/۶/۱ به آگاهی میسرسانیم:

۱- در سحرگاه روز ۶۰/۵/۳۰ افراد رزگاری - دموکرات ۲ تن  
از پیشمرگان کومله را که به مرخصی رفته بودند در روستاهای "شاهینسی" و  
"چرسانه" دستگیر و پس از اذیت و آزار و شکنجه زندانی نمودند. در  
همین روز افراد مسلح رزگاری - دموکرات در قرا "شاهینسی" و "طا"  
دهه زیادی از زحمتکشان این روستاها را بعلت هواداری از کومله  
دستگیر و مورد توهین و اذیت و آزار قرار دادند.

۲- در سحرگاه همین روز دههای از افراد دموکرات که بر بلند بیهای  
مشرف به قرا "طا" و "سرچی" سنگر گرفته بودند روستای "طا"  
را با کالیبر ۵۰ مورد حمله قرار دادند.

۳- در بعد از ظهر روز ۶۰/۵/۳۰ تعدادی از افراد رزگاری -  
دموکرات به قصد تصرف بلند بیهای مشرف بر روستای "گلپان" از  
مقر دموکرات واقع در قره (بزموش) شروع به پیشروی کردند که با  
آتش پیشمرگان کومله که بر بلند بیهای مذکور مستقر شده بودند روبرو  
شده و ناچار به عقب نشینی شدند.

۴- در بعد از ظهر همین روز ۲۰ نفر از افراد رزگاری - دموکرات  
که قصد تصرف گردنه "شاهینسی" - "طا" و پیوستن به نیروهای  
رزگاری در "طا" را داشتند با مقابله پیشمرگان کومله روبرو شد و پس  
از اینکه ۳ تن از آنان مجروح شدند ناچار فرار کردند.

۵- در سحرگاه روز ۶۰/۵/۳۰ دهه زیادی از افراد مسلح  
رزگاری - دموکرات در حیاط خمپاره انداز وقتاسه و کالیبر ۵۰ و  
اسلحههای سنگین دیگر بقصد پیوستن به افراد رزگاری از طریق  
گردنه "شاهینسی" بطرف "طا" شروع به پیشروی نمودند ولی  
با مقاومت سخت و قهرمانانه پیشمرگان کومله روبرو شدند. این  
درگیری تا بعد از ظهر روز ۶۰/۶/۱ ادامه داشت که در جریان آن  
چهار نفر از افراد رزگاری - دموکرات به اسارت پیشمرگان کومله در

آمدند که ۲ نفر از آنان به علت زخمی بودن و عدم دسترسایی  
پیشمرگان کومله به پزشک در آن موقع آزاد گردیدند. و نیز طبق  
اطلاعاتی که تا این تاریخ به ما رسیده، حدود ۶ نفر دیگر  
از افراد رزگاری - دموکرات زخمی و یک تن از آنان کشته شدهاند.  
متأسفانه در این نبرد هایکی از پیشمرگان فداکار کومله بنام کساک  
شاهوشیرازی (ایرج) اهل شیراز به شهادت رسید.

۶- بعد از ظهر روز ۶۰/۶/۱ طیرم اخطارهای مکرر مینسی  
بر تحویل شیخ عبدالله و خاتمه دادن به هردرگیری، افراد  
رزگاری - دموکرات همچنان به تیراندازیهای خود ادامه دادند  
تا اینکه در ساعت ۶ بعد از ظهر مقرهای آنان در روستای "طا" به  
تصرف پیشمرگان کومله و بیگار درآمد و مزدوران رزگاری از محصل  
فرار کردند.

۷- درگیری در بین روستاهای طا و "سرچی" مابین افراد  
رزگاری - دموکرات از یکطرف و پیشمرگان کومله و بیگار از طرف دیگر  
همچنان ادامه داد. و عوامل رزگاری - دموکرات همچنان با  
خمپاره و کالیبر ۵۰ وقتاسه قره "طا" را میکوبند.

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) - کامیاران، ۶۰/۶/۱

# زنان مبارز ما با در مقابل قهرپاداران؛ گورتان را از شهر ما گم کنید

۶۰/۵/۸۹ در این روز زنان مبارز حله آشی مام حمد بعنوان اعتراض بعد از نبودن مقره در مقابل مقر پاسداران در هتل مهاباد اجتماع کردند . یکی از زنان مبارز خود را بداخل سنگرمزدوران انداخته و شروع میکند به ناسزاگویی به پاسداران ، مسئول مقره میخواهد او را از درون سنگرخارج نماید با اعتراض سایر زنان روبرو میشود . زن نامبرده بیشتر خشمگین میشود و میگوید "گورتان را از شهر ما گم کنید" . سرانجام مسئول مقره در مقابل زنان رزمنده کاری از پیش نمی برد ، به آنها قول میدهد که مقر را تخلیه کنند .

# ما همه پیشمرگ هستیم

۶۰/۵/۱۱ در این روز یکی از کاسپسای د بیروستان نیشتمان در سر "اید ولوژی اسلام" داشتند . بمحض ورود یکی از دختران زینب به کلاس ، دانش آموزان شروع به خواندن سرود "ای شهیدان" میکنند و از پیشمرگان انقلابی دفاع میکنند . پس از آن هرکدام از دانش آموزان از جای خود بلند میشوند و یکی میگوید : برادرم پیشمرگ است . دیگری میگوید : پدرم پیشمرگ است و . . . سپرد دختران یکصد امی گویند : "ما همه پیشمرگ هستیم" و ادامه میدهند : "برادران و پدران ما در سنگرهای اطراف شهر هاباد شهن مبارزه میکنند ما هم در سنگر مد رسما . . ." دختر زینب در مقابل این شور و شوق انقلابی تنها چاره را در سکوت می یابد .

زحمتکشان ، دانش آموزان ، زنان ، مردم مبارز مهاباد!  
دامنه اعتراضات خود را طبع پاسداران و جاشها گمترش داده و با اعمال فشار بر آنها بیشتر زبونشان کنید . این رژیم در سراسر شبیه سقوط قرار گرفته است . تعرض پیشمرگان و بیخمسوس پیشمرگان کوهله ضربات سختی بر آنان وارد کرده است . شما نیز با گمترش و بیگیری مبارزات و اعتراضات خود ، نیروهای سرکوبگر رژیم را پیش از پیش به عقب نشینی وارد سازید .

# فراخوان جمعیت د مکرانیک معلمان مبارز . . .

"... جمعیت د مکرانیک معلمان مبارز کردستان ایران در ادامه فعالیت های انقلابی خود با کوله باری از تجربه ، یکسال کار عملی و موفق در مناطق زیر حاکمیت نیروهای انقلابی و بد نیال برکزاری اولین اجلاس به پربار و موفق سالانه اش بازگشایی مجدد مدارس بوگان ، اختیوه و روستاهای سراسر کردستان را در دستور کار خود قرار داده است . تحقق امر بازگشایی مدارس در سطح بسیار وسیعتر از سال پیش بدون کمک جدی مادی و فکری سازمانهای سیاسی انقلابی و انسانهای مبارز و انقلابی بطور

کامل میسر نخواهد بود .  
جمعیت د مکرانیک معلمان مبارز کردستان ایران در جهت تضمین اجرای این برنامه ای انقلابی که بد بلی است انقلابی برای خنثی کردن توطئه های ضد جمعیت د مکرانیک ، ضد فرهنگی حکومت جمهوری اسلامی نیاز به کمک و یاری دارد .  
... لازم به یاد آوری است که در جریان مبارزات بیکی خلق کرد ، مبارزین زیادی برای پیشبرد امر جنبش پرورش یافته است اما رشد جنبش گسترش وسیع آن ضرورت یاری و کمک جوانان انقلابی دیگر شهرهای ایران را برای تحکیم و پیوند هر چه بیشتر مظلومین روح این اصل و بر اساس تأمین این نیاز جمعیت د مکرانیک معلمان مبارز کردستان ایران ( ۶۰/۵/۲۱ )

مشخصاً از فارغ التحصیلان دانشسراهای : مقد ماتی راهنما - بی تحصیلی ، . . . عالی د بیلهما و لیسانسهای آزاد و بالاتر در رشته های : علوم طبیعی - علوم تجربی - علوم اجتماعی - علوم تربیتی - زبان و ادبیات فارسی و انگلیسی و دانشجویان معلمان اخراجی و . . . انتظار آرد که به این فراخوان پاسخ مثبت گفته و وظیفه انقلابی خود را بشناسند جنبش مقاومت که جد از کل جنبش انقلابی ایران نمی باشد داد نمایند . خلق مبارز کرد ضمن استقبال گرم از آنها مراتب قدر شناسی و تشکر و سپاس انقلابی خود را اعلام میدارد .  
پیش به سوی بنیاد آموزش و پرورش انقلابی !  
جمعیت د مکرانیک معلمان مبارز کردستان ایران ( ۶۰/۵/۲۱ )

پتیه "روسال مهاومش" . . .

نماید ولی همواره از جانب پیشمرگان مورد تعرض قرار گرفته و با مبارزات توپخانه‌های شهری روبرو بوده است. اما وقتی که مقاومت و مبارزه پیشمرگان و توپخانه‌های مردم کردستان یونامه رزیم برای سرکوب انقلاب در کردستان خنثی می نمود و رژیم جمهوری اسلامی برای مرعوب کردن خلق کرد کشتار و ستجمعی روستائیان زحمتکش را همچنان ادامه داده است. رژیم در آبان ماه ۵۹ در دست در سالگرد پیام "صلح" امام و در روستاهای "ایندرفشاش" (مهاباد) و "صوفیان" (اشنوبه) "سه روگانی" (پیرانشهر) به کشتار و ستجمعی اهالی پرداخت. حتی کهوازه شیرخوارگان را نیز به آتش کشیدند ولی مردم نه تنها به انفعال و سستی کشیده نشدند بلکه بیش از پیش مسلح شدند. زحمتکشان و دیگر توپخانه‌های مردم مبارز کردستان با ادامه مبارزه مسلحانه علیه نیروهای سرکوبگر رژیم توپخانه‌های خانقانه نوکران سرسپرده رژیم فدائیان اکثریت و توپخانه‌ها (رانیز خنثی و آنان را طرد کردند.

زحمتکشان کردستان و نیروهای انقلابی اش نه تنها قاطعانه در برابر پوستونهای بزرگ رژیم پستادگی کردند بلکه بیشتر مزدوران مسلح رژیم بحث مراء (رزگاری) را نیز دستگیر و خلع سلاح نمودند. بار این سیاست مهم انقلابی اساساً بیرونش کومه‌ده بود. کومه‌ده در این راه با تمام توان خود گام نهاد و تعدادی از بهترین رفقای خود را چون شهید کاک صلاح رهش و شهید کاک طی قطبی و . . . از دست داد.

کومه‌ده ضمن آنکه با تمام نیروی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی مبارزه کرده و در جنبش مقاومت خلق کرد شرکت نموده است.

در برابر نیروهای که در داخل کردستان بسوی اعمال دیکتاتوری نسبت به توپخانه‌های زحمتکش رفتند (مانند حزب دمکرات) پیگیرانه از دیکراسی به نفع زحمتکشان دفاع کرده است. کومه‌ده برای مبارزه در برابر توطئه‌های ضد فرهنگی و ارتجاعی رژیم مبنی بر به تعطیل کشاندن مدارس و اخراج معلمان از نهاد های دیکراتیکی چون "جمعیت معلمان مبارز" که در مقابل این توطئه‌ها بمقابله برخاسته بطور همه جانبه پشتیبانی نموده است. علاوه بر آن در رخد خود به ترویج و ارتقا هتر انقلابی در زمینه‌های شعر و سرود و تقاریر بازی رساننده است.

تسودهای مبارز! زحمتکشان کردستان!

در آواز سومین سال جنبش مقاومت قهرمانانه خلق کرد و بیش از هر زمان دیگر حقانیت این جنبش بر توپخانه‌های مردم ایران که خود در معرض کشتارهای وحشیانه از جانب رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی قرار دارند - روشن شده است.

بیاید همگام با کومه‌ده فعالانه تر و شهورانه‌تر از همیشه بر طبله این رژیم جوروسم با خیزیم و در تمام کردستان بر پیروان آن ضربه‌های مرگباری وارد کنیم و همراه با توپخانه‌های مردم سرنا سرایران، این رژیم منحوس را مانند رژیم شاهنشاهی به زباله‌دان تاریخ بیندازیم.

پتیه "درماندگی" . . .

وارد روستای کسرآباد شدند و با استقبال گرم و پرشور اهالی روستا گشتند. زحمتکشان روستاهای اطراف که شهامت و فداکاری و از خودگذشتگی پیشمرگان کسومده را به شوق آورده بود پس آن

در رود می فرستادند. عده‌ای از نیروهای دشمن که توانسته بودند وارد روستای "رزو" و "کرآباد" شوند، ضمن اهانت به اهالی و غارت اموال آنان، خورشهاشان را به آتش کشیدند. در اثر توپ باران دشمن، مد رسه "رزو" آسیب دید و یک خانسه سکونی ویران گشت. در ضمن ۲ کودک نیز زخمی شدند.

۶۰/۵/۲۴ - ستونی مرکب از جاشها و پاسداران و ژاندارمها به سروآباد سرپوان هجوم آورده و وحشیانه منطقه را به گلوله توپ و خمپاره بستند که در نتیجه آن چندین خرمین از محصلان روستائیان به آتش کشیده شدند. پیشمرگان کومه‌ده بمحضر اطلاع از این خبر، خود را به محل رسانده و دشمن را مورد تعرض قرار دادند. در این عملیات قسمتی از نیروهای دشمن به محاصره افتاد. پیشمرگان مرتباً حلقه محاصره را تنگ میکردند.

جاشها و پاسداران که زیر حمله کوبنده پیشمرگان قرار داشتند وحشت زده و بدون هدف تیراندازی میکردند و مرتباً تقاضای کمک مینمودند، تا اینکه چندین خودرو حامل مزدوران و فرزندتانک به کمک آنان آمده و وحشیانه منطقه را به گلوله توپ بستند. در جریان نبرد زحمتکشان اطراف خوراک و آب به سنکر پیشمرگان میرساندند. این نبرد سخت که ۳/۵ ساعت طول کشید و در آن تعدادی از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند و مزدوران را

مجبور به عقب نشینی نمود. بعد از پایان نبرد، پیشمرگان در حالی که همگی سالم بودند پیروز شدند. در روستاهای اطراف به گشت سیاسی پرداختند.



# پیوستن دو تن ارسربازان انقلابی به صفوف پیشمرگان کومه له

## اشنویه

چند روز پیش دو تن از سربازان انقلابی، از پایگاه پسران امر اشنویه با اسلحه و مهمات، خود را تبدیل به پیشمرگان کومه له دادند. هنگام ورود سربازان انقلابی بداخل شهر، آنان مورد استقبال گرم و عاشقانه مردم قرار گرفتند و شعارهای انقلابی چون: درود بر سربازان انقلابی! خلق کرد میزند، ارتجاع میزند، درود بر کومه له! آنها را همراهی کردند. بعد یکی از مسئولین کومه له و سربازان انقلابی برای مردم سخنرانی کردند. اسلحه و مهماتی که سربازان همراه داشتند مهارت بودند تا یک قبضه آرمی جی مجهز به دو ریزه و همراه با ۷ گلوله به یک قبضه ۳ همراه ۱ عدد خشاب پر، یک دستگاه ترمیم گروهی، ۲ نارنجک دستی و تعدادی وسایل دیگری بود. در تاریخ ۶/۶/۶۰ به این مناسبت مقربسنگ باشکوهی از طرف کومه له اشنویه برپا گردید. دو سرباز انقلابی با شعار مستحکم باد پیوند خلقهای ایران طی سخنرانی بیان داشتند که: "انگیزه ما از پیوستن به کومه له این بود که کومه له را سازمانی طرفدار کارگران و زحمتکشان میثناسیم و در کردستان متوجه عملکردهای انقلابی آن بودیم که نه تنها از خلق کرد بلکه از حقوق تمام خلقهای ایران دفاع میکند رژیم ضد انقلابی چون قاطعیت و سازش ناپذیر کومه له برای آشکار شده برای ایجاد هراس در بین ارتشیان شایع پخش میکند که کومه له سر دستگیر شدگان را از تن جدا میکند!"

## سربازان انقلابی!

چنانچه میبینید تودمهای مردم کردستان و سازمانهای انقلابی آن با آغوش باز از شما استقبال می کنند. شما از میان زحمتکشان ایران برخاسته اید و به آنان تعلق دارید. رژیم میخواهد زحمتکشان میهنمان را بوسیله شما سرکوب کند، میخواهد لوله تفنگهای خود را بر روی سینه کارگران و زحمتکشان دیگر تودمهای مستعد بدهد مردم - بر روی همانهایی که تا دیروز در کنار هم بودید - بگیرد. رژیم اکنون در کردستان و شما را در برابر زحمتکشان و دیگر تودمهای خلق قرار داده است. در مقابل کسانی قرار داده است که برای کسب حقوق و مکرراتیک خود سلحشانه به خواسته و از هیچگونه نذاکاری در راه آرمان والای خود دریغ ندارند، و بالاخره در مقابل کسانی که آنان نیز چون خود شما با کارگر و دهقان مبارز دیگر اقشار مستعد بده و محروم جامعه هستند که رژیم جمهوری اسلامی چیزی جز سرکوب و دیکتاتوری و استعمار برایشان بارمغان نیاورده است.

**سربازان!** رژیم جمهوری اسلامی برای طولانی کردن حیات روهپایان خود، برای پاسداری زنجیر و استعمار ابدی ندارد. اگر هزاران تن از شما را به قتلگاه بفرستد، باین سرنوشتی که رژیم برای شما تدارک دیده است گردن ننهید!

سربازان انقلابی! یادگاران ترک کنید و با سلاح و مهمات خود را به پیشمرگان کومه له معرفی کنید. کومه له زحمتکشان کردستان با آغوش باز از شما استقبال خواهند کرد.

**سربازان، درجه داران و افسران مبارز و انقلابی!** از هر طریقی که میتوانید پیشمرگان کومه له را در انجام وظیفه انقلابیشان مورد یاری و پشتیبانی قرار دهید.

\* \* \*

# اطلاعیه کومه له درباره: **تحریم خدمت نظام وظیفه.**

جوانان و زحمتکشان کردستان!

رژیم جمهوری اسلامی که ۱۰ سال تمام نیروهای سرکوبگرش را برای سرکوب شما روانه کردستان کرده است، صد هاستن از رفقا و خویشاوندانتان را به شهادت رساند و هزاران خانواده مراد و کردستان مراد از نموده است. میخواهد بشیوهی دیگری کشتار شما ببرد از رژیم مدنی است که متولد بین سالهای مختلف و معاف شدگان و مخصوصاً متولد بین سال ۳۷ را به سربازی فرا می خواند، رژیم میخواهد با این کار شما را از جنبش مقاومت جدا کند و سود موبرای حفظ پاهمهای

لوزان خود به کشتار کارگران و زحمتکشان ایران واد ارتان سازد. و بالاخره رژیم میخواهد شما را به قتلگاه جنگ ارتجایی ضد خلقی ایران و عراق بفرستد. رژیم در حالی به این فراخوانی دست زده است که خود در سرانجامی سقوط قرار گرفته است.

هر جوانان انقلابی و زحمتکشان است که به تنهایی با اختیار رژیم جواب منفی دهند بلکه هر چه فعالانتر با مبارزه طبع آن مرکز را تسریع نمایند.

کومه له از همه شما میخواهد از رفتن به سربازی خودداری نموده و با پیوستن به صف پیشمرگان کومه له پیوند خود را با جنبش مقاومت و زحمتکشان کردستان هر چه بیشتر مستحکم سازد.

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران... کومه له

۱۳۶۰/۶/۴

# صحنه ای از گورستان آزادگان! مادری از کردستان بر مزار فرزند شهیدش

صبح آنروز بهر زنی کرد با قامتی شکسته ورنجور در ایستگاه ترمینال تهران پیاده شد. سرتاسرشیب را گرفته بود و دیگر اشکی برای ریختن نداشت. هاج واج به اطراف خود مینگریست. مسفران آشنا او را به پزشکی قانونی رساندند.

از زیر چادرش یک بسته نایلونی بیرون آورد و از درون آن سه شناسنامه از آن خودش، شوهرش و فرزند شهیدش. آنرا محکم به سینه فشرد و در انتهای صاف طوبلی از زنان و مردان ژولیده و سیاهپوش که باقیانهای مغرور و پرافتخار و چشمانی حاکی از هم - دردی او را نگاه میکردند، قسرا گرفت.

بزودی با مشاهده این همدردها آرامشی یافت و برایشان شرح داد که چگونه از مهاباد به تهران آمده، تا جنازه نوجوان شهیدش را که بوسيله رژیم جنایتکار حاکم تهرانیان شده است تحویل بگیرد. او را به گورستان بهشت زهرا حواله دادند و در آنجا مسئول گورستان با خون سردی چندش آوری پیرحمانهای به او گفت: "اینجا گورستان مسلمین است و چسبون فرزندان مرتد فطری بوده، در محل دیگری دفن شده است" و تکه کاغذی بدستش داد که روی آن پس از نام و نام خانوادگی و شماره با خط درشت و قرمزی نوشته بود: لا مذ هب!

در منتهاالیه بهشت زهرا گورستان کوچکی دیده میشود که به گورستان ارضیان مشهور است و آنطرفتر گورستان هندیه است و با کمی فاصله گورستان جدیدی است

که اخیرا توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی "آباد" لاشده است. رژیم این گورستان جدید را "لعنت آباد" نام نهاده است اینجا گورستان آزادگان، گورستان شهیدان است که تا واپسین دم حیات خود به آرمان انقلابی مردم ستم دیده وفادار مانده و مرگ پر افتخار را بر تنگ تسلیم و دودلسی در برابر این رژیم ننگین ترجیح داده اند. یک دستگاه بی کنسی اطلس مرتبا مشغول کندن "کانال" است. شهیدان را با لباس خون آلودشان در این کانالها دفن می کنند. بر کبه خاکي که این جوانان انقلابی در زیر آن آرمیده اند، یک تکه چوب نازک با شماره ای و نامی بر آن دیده میشود.

نامهایی آشنا که دیگر نه تنها در خاطره انقلابیون بلکه در اعماق قلب مردم ایران جای گرفته اند: سعید سلطانپور، محسن قاضی و یحیی رحیمی و حتی با کمال تعجب تقی شبرام که یکسال پیش مراسم چهلمین روز شهادتش در بهشت زهرا با حضور گروه کثیری از مردم برگزار گردید.

آری این رژیم خونخوار، آنقدر از انقلابیون در هراس است که بقایای جنازه تقی شبرام را پس از گذشت یکسال از امداش به تصدیح محکوم کرده است، تصدیح به لعنت آباد گورستان آزادگان.

بهروز از گریستن باز نمی ایستاده گرمای طاقت فرسای ظهر تابستان برای او دیگر سوگواران این گورستان در ورافتاده تاثیر چندانی نداشته بعد از ظهر رفت و آمد بیشتر شد و

کرم جمعیت انبوهی در کنار خطوط طولانی "کانالها" هرگز در کیمهای خاکي با چوبی نازک بجای هرنشانه گرد آمدند. فریاد گریه ایمن سوگواران از کینه عیش نسبت به دیکتا توری سیاه و جنایتکار جمهوری اسلامی خبر میداد.

بهروز کرد با مشاهده این وضع آرام شده و در اندیشه فرو رفته بود. پیش چشمانش مجسم گشت که در فردائی نه چندان دور که رژیم جمهوری اسلامی به گورستان تاریخ سپرده میشود، همین گوشه در ورافتاده اینها بان بهشت زهرا بخاطر آنهمه جوان پر شور انقلابی که در سینه خود نگهداشته است، به جایی گرمی و پرافتخار تبدیل خواهد شد. در یک لحظه تصمیم گرفت که او هم جگر گوشه عزیزش را در آنجا بحال خود بگذارد. بهشت زهرا دیگر رفتای انقلابیست. بگذر او هم یادگار گرمی در این گورستان است افتخار داشته باشد.

## اعدام انقلابی مزدوران توسط پیشمرگان کومه له.

حاجی سعید عمیان جاش بزرگ و چن از همراهان او در تاریخ ۲۴/۵/۶۰ در داخل شهر سنندج مورد حمله جسونانکسه پیشمرگان کومه له قرار گرفتند. در این عملیات تهرمانانه، همراهان حاجی سعید به هلاکت رسیدند و خود وی از ناحیه پای بند رحیمی شد که بعد از شجریه قطع پاهاش کردید.

# فشار رژیم بر مردم مبارز سنندج

مزدوران رژیم که توانایی مقابله با تعرضی بیشترگان را ندارند و از طرف مردم شهر مورد نهایت بی تفاوتی و نفرت قرار گرفته اند به ادیت و آزار اهالی میپردازند و نسبت به همه شکوک شده اند. آنان هر روز به تفتیش محله های میپردازند. بارها منازل ساکنان یک محله را میگردند و مردم را ادیت و آزار میکنند. در خیابانها هر روز ماشینها را متوقف و آنها را

بازرسی میکنند. بعضی روزها یک خیابان را بند می آورند و همه کس را تفتیش میکنند.

کیف زنان و دختران را میگردند. نصفهای شب به خانه مردم محله میروند و وساطشان را بیهوش میزنند. مدتی است بیشتر از سابق در کوچهها و خیابانها بیهوش

بازرسی میپردازند. برای مردم کمین میگذارند که هیچ کس از خانه خارج نشود. اما مردم شبها از منازل بیرون می آیند. و تنها نصفهای شب در کوچهها رفت و آمد میکنند.

کلیهای مالی دریافت شده سنندج

۱۱ توتنه وان	۲۰۰۰۰۰	ریال
۵۰۰۰۰	۵۰۰۰۰	ریال

ملاصالح و پسران که در این عملیات به هلاکت رسیدند از مزد و رانسی بودند که مردم مبارز سنندج را از بیت و آزار میدادند. پسر ملاصالح یکی از کسانی بود که تحت نظر حاجی مسعود غفیان خدمت سرعی اجرا میکرد و مردم شهر را شکنجه و آزار میداد. مردم شهر از آمدن انقلابی این مزدوران استقبال کردند.

## گزارشی از اداره انقلابی بیمارستان بوکان

دومین آموزش نظامی رژیم به کردستان، با محاصره اقتصادی همراه بود. از همان آغاز محاصره

اقتصادی از ورود مواد دارویی و پزشکی به کردستان بطور جدی جلوگیری بعمل آمد .

در این رابطه سازمان کومهله - تمام امکانات پزشکی خود را بکار گرفت تا نیازهای پزشکی و درمانی توده های مردم را برآورده سازد . برای این منظور در چندین ناحیه کردستان اقدام به تاسیس درمانگاه نمود .

چنانکه اطلاع دارید چندین پیش رژیم ، بیمارستان بوکان را منحل نمود و کادرهای آنرا بکوه دیگر شهرها منتقل نمود . کومهله برای غنثی کردن توطئه رژیم و برای اینکه توده های این شهر و روستایان اطراف آن از خدمات پزشکی و درمانی محروم نمانند ، بلافاصله بعد از انحلال بیمارستان ، اداره آن را بشیوه انقلابی برهمهده

گرفت .

اکنون درمانگاه و تمام بخشهای بیمارستان : جراحی ، رادیولوژی ، آومایشگاه هوماتی ، دایر میباشند . هر چند تعداد کادرهای پزشکی کنونی نسبت به تعداد آن در گذشته کمتر هستند لیکن به علت فعالیت خستگی ناپذیر و انقلابی آنان ، نه تنها نیازهای پزشکی شهر بوکان و اطراف آن ، در این بیمارستان برآورده میشود بلکه به علت کیفیت بالا و رضایتبخش آن روزانه از شهرهای اطراف نیزه این بیمارستان مراجعه میکنند به همان میبند که اکنون مردم میکه خود به بیمارستان مراجعه میکنند به همان میبند که کادرهای پزشکی ، درمانی و خدماتی آن با چه جدیت ، دلسوزی و فداکاری ، بیمارستان را بشیوه انقلابی اداره کرده و نسبت

بمنحوه اداره رژیم جمهوری اسلامی از چه سطح هالیترو برتری برخوردار است .

نگاهی گذر بکارنامه بیمارستان در یکمکه گذشته ( مرداد ماه ) گوشه هایی از تلاشهای موفقیت آمیز کادرهای آنرا نشان میدهد :

- ۱- بیماران معاینه شده ۳۸۸۵ نفر
  - ۲- بیماران بستری شده ۴۴۳ نفر
  - ۳- بیمارانی که مراد بولوزی مراجعه کرده اند ۱۲۲ نفر
  - ۴- زایمان ۳۶ نفر
  - ۵- آزمایشگاه ۹۳ نفر
  - ۶- عمل جراحی ۴۵ مورد
- از مردم ما رزگردستان و نیروهای انقلابی ایران میخواهیم که ما را در امر خدمات پزشکی و درمانی یاری دهند .